

# واکاوی نام خلیج فارس در نقشه‌های جهانگردان (سیاحان) قرن شانزدهم میلادی

اصغر القاصی<sup>۱</sup>  
سعید عضدالدینی ملکی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

## چکیده

مورد با عنوان «Sinus Persicus»، یک مورد با عنوان «Mar persio» و یک مورد به صورت «Golfo persico» نام‌گذاری شده است و این عناوین برهانی بر این ادعا است که این آبراهه تاریخی همیشه خلیج فارس بوده است.

## کلیدواژه

خلیج فارس؛ دریای پارس؛ سفرنامه‌نویسان؛ نقشه‌های

تاریخی.

## مقدمه

خلیج فارس یکی از شاهراه‌های مهم آبی جهان است که اهمیت راهبردی آن در اقتصاد دریایی جهان از گذشته تا به امروز بر کسی پوشیده نیست. در نتیجه برای بهره‌مندی از منافع حاصل از تجارت این آبراه، کشورهای منطقه‌ای و همچنین فرمانطقه‌ای سعی در گسترش قدرت خود در خلیج فارس را داشته و دارند. هم‌زمان با حکومت تیموریان در ایران، سلطان محمد فاتح، قسطنطنیه را در سال ۱۴۵۳م. فتح کرد (بیات، ۱۳۸۷: ۲۷۵)، این فتح در پایان قرن پانزدهم

نام خلیج فارس، از قدیمی‌ترین نام‌هایی است که از سده‌های پیش از اسلام تا به امروز بر پهنه آبی بین ایران و شبه جزیره عربستان اطلاق می‌شود. زمانی که بشر توانست تاریخ‌نویسی را آغاز کند این آبراهه را به اشکال نوشتاری مختلف «دریای پارس»، «دریای فارس» یا «خلیج فارس» نامیده‌اند. با وجود تلاش‌های سیاسی بسیار برای تحریف نام خلیج فارس، اسناد، مدارک و نقشه‌های تاریخی بسیاری بر نام خلیج فارس صحه می‌گذارند. اروپاییان در قرن شانزدهم میلادی و آغاز دوره رنسانس در بسیاری از علوم از جمله علم جغرافیا و کارتوگرافی به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافتند. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای به واکاوی نام خلیج فارس در برخی از نقشه‌های تاریخی باقی‌مانده از جهانگردان اروپایی در قرن شانزدهم میلادی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که نام خلیج فارس در نقشه‌های اروپاییان به اشکال گوناگونی آمده است که در هشت

۱. کارشناس پژوهش بنیاد ایران‌شناسی (نویسنده مسئول).

asghar\_alghasi@yahoo.com

۲. کارشناس پژوهش بنیاد ایران‌شناسی شعبه آذربایجان غربی

wazariranology@yahoo.com

که نام خلیج فارس در آثار جغرافی‌نگاران و سفرنامه‌نویسان قرن شانزدهم میلادی چگونه آمده است؟ به اثبات این فرضیه می‌پردازد که با توجه به منابع و اسناد معتبر و مستند باقی‌مانده از جغرافی‌نگاران و سفرنامه‌نویسان بزرگ تاریخ از خلیج فارس با نام دریای پارس یا خلیج پارس یاد شده است. این پژوهش سعی دارد با رویکردی تاریخی به تشریح نقشه‌های این سیاحان به صورت توصیفی-تحلیلی بپردازد و تمامی نام‌های اشاره شده در این نقشه‌ها را در قرن شانزدهم بیان کند.

### پیشینه پژوهش

موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر در بُعدهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد؛

نصرالله فلاح تبار (۱۳۸۷) در مقاله «نام خلیج فارس در نقشه‌ها و اسناد تاریخی ایران و جهان» ضمن بررسی ابعاد نام خلیج فارس از ابتدا تا عصر حاضر با مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی و تحلیلی به تفسیر نقشه‌ها در منابع سفرنامه‌نویسان، مورخان و جغرافی‌دانان پرداخته و به نام‌های دریای پارس، بحر فارس و خلیج فارس در آنها اشاره می‌کند.

ایرج افشار سیستانی (۱۳۸۶) در کتاب «نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی» به این مطلب اشاره کرده است که نام «پارس» و دریای جنوبی ایران (خلیج فارس) بسیار کهن بوده و ریشه تاریخی دارد به گونه‌ای که مبتی بر اسناد و منابع جغرافیایی و تاریخی فراوان است. وی با بررسی پیشینه تاریخی نام خلیج فارس از دوره ایلامی، هخامنشی، اشکانیان و ساسانیان و همچنین اسناد فرهنگ عرب، منابع جغرافیایی و دیگر منابع به تشریح این موضوع پرداخته است.

محمد حسن گنجی و همکاران (۱۳۸۶) در کتاب «وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی» به بررسی نقشه‌های متعدد و گزینش شده در ارتباط با موضوع خلیج فارس در سه بخش

میلادی بسته شدن راه‌های تجاری از خشکی و همچنین راه دریای مدیترانه و قطع ارتباط تجاری بین شرق و غرب را به دنبال داشت (نوایی، ۱۳۷۷: ۷۸).

از آنجایی که اروپاییان نمی‌توانستند در ساختن و تهیه کالاهایی چون ابریشم و پارچه‌های پنبه‌ای، قالی، جواهرات، کاسه و کوزه سفالین و چینی با آسیا رقابت کنند و در حالی که نیازمند واردات مواد خام و اغذیه از جمله شکر و ادویه‌جاتی چون فلفل، دارچین، میخک و زنجبیل به اروپا بودند (پالمیر، ۱۳۸۶: ۱۷۱-۱۷۲) لذا در صدد راه‌هایی جایگزین برای برقراری ارتباط با آسیا برآمدند و آن راه تنها از طریق دور زدن قاره آفریقا میسر بود. نویسندگان تاریخ تمدن این امر را زمینه شکل‌گیری مکتب مرکانتیلیسم<sup>۱</sup> یا دوره بورژوازی<sup>۲</sup> یا عصر اکتشافات نامیده‌اند.

برخی از نویسندگان پا را فراتر نهاده و بر این عقیده‌اند که ورود اروپاییان به خلیج فارس و دور زدن قاره آفریقا جبران شکست صلیبیون در قرون سیزده میلادی است (وثوقی، ۱۳۹۰: ۱۸-۲۲). اولین گروهی که از غرب با دور زدن آفریقا به خلیج فارس رسیدند پرتغالی‌های بودند (۱۵۰۵ م.) و این دوره هم‌زمان با آغاز حکومت صفویان در ایران بود. به دنبال آنها اسپانیایی‌ها راهی آب‌های این منطقه شدند و پس از آنها به ترتیب انگلیسی‌ها تحت عنوان کمپانی هند شرقی انگلیس (۱۶۱۵ م.) و سپس هلندی‌ها تحت عنوان کمپانی هند شرقی هلند وارد خلیج فارس شدند (پورمحمدی املشی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۴). بدین ترتیب این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای به واکاوی نام خلیج فارس در ۹ نقشه از جهانگردان (سیاحان) قرن شانزدهم میلادی می‌پردازد.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نام‌های خلیج فارس در نقشه‌های جهانگردان قرن شانزدهم است و با پاسخ به این پرسش

1. Mercantilisme
2. Bourgeoisie

### یافته‌های پژوهش

#### الف: نام خلیج فارس در گستره تاریخ

از روزگار باستان تا امروز و در همه آثار تاریخی، جغرافیایی و همچنین دایرةالمعارف‌های بزرگ جهان، آب‌های جنوب ایران تا پیوستگاه اروندرود تا تنگه هرمز به نام خلیج فارس شناخته شده است. تاریخ‌نگاران، جغرافیایان، نام‌شناسان نیز از این دریا به نام‌های خلیج فارس، خلیج العجم، دریای سرخ و بحر پارس یاد کرده‌اند.

در اوستا، در چندین جا از خلیج فارس به نام «دریای پوئی تیک» یا «پوئی دیک» و «پودیگ» یاد شده است؛

«من اهورمزدا، آب‌ها را بر مردارها و دخمه‌ها و بازمانده‌های چرکین و استخوان‌ها روان می‌کنم. آنگاه من، اهورمزدا، آب‌ها باز می‌گردانم. من اهورمزدا، آب‌ها را به دریای پوئی تیک (خلیج فارس) باز می‌گردانم» (دوستخواه، ۱۳۷۵: ۷۰۷).

در بندهش ۱۰/۱۲ نیز آمده است، که آب‌های کثیف و ناسالم به این دریا ریخته و در آنجا متوقف می‌شوند تا از آلودگی پاک شوند. آنگاه جریان مداوم و تلاطم دریا به وسیله آب‌های آلوده و نجس را پاک و تصفیه کرده و از آنجا به دریای وئوروکشه یا فراخکرت / اقیانوس هند هدایت می‌کند و این دو دریا از زیر هم ارتباط دارند (رضی، ۱۳۷۶: ج ۲: ۵۹۶).

مهرداد بهار در نوشته خود در ذکر ایزد تیشتر و به وجود آمدن باران و جاری شدن سیل به دریای خلیج فارس چنین آورده است:

«دریای دیگر، کم رود (دریای مازندران) است که در شمال قرار دارد. دریای دیگر سیاه بُن (دریای سیاه) است در سوی روم (آسیای صغیر)، دو شاخه فراخکرت، خلیج بنگال در خاور و دریای سرخ در باختر آن است» (بهار، ۱۳۷۶: ۱۴۰-۱۴۳).

از خلیج فارس در یکی از کتیبه‌های آشور نیز یاد شده و در آن خلیج فارس به نام رود تلخ که به آشور «نارموتو» می‌باشد نامیده شده است (رابین، ۱۳۵۰: ج ۱: ۵۵-۵۴).

می‌پردازند: بخش اول: «مکتب‌های نقشه‌نگاری حوزه‌های اسلامی و اروپایی و برخی از مشخصات آنها»، بخش دوم: «نقشه‌ها و توصیف آنها» و بخش سوم: «پیوست‌ها». در بخش اول به نقشه‌نگاری حوزه اسلامی شامل مکتب‌های عراقی و بلخی پرداخته شده است. همچنین مکتب‌های هفت کشور ایرانی، هفت اقلیم یونانی، بلخی، نجیب بکران و مکه مرکزی نیز در این بخش معرفی شده و در ادامه به معرفی جغرافیدانان و نقشه‌نگاران حوزه اسلامی پرداخته شده است. معرفی و بررسی نقشه‌نگاری حوزه اروپایی از جمله مکتب‌های بطلمیوسی، نقشه‌نگاری ایتالیایی، نقشه‌نگاری هلندی، نقشه‌نگاری آلمانی، نقشه‌نگاری فرانسوی و ... نیز از دیگر موضوعات این بخش است. بخش دوم نیز به نقشه‌های دوران اسلامی و اروپایی اختصاص دارد و بخش پیوست‌ها شامل دو فصل «نگاهی دوباره به چند نقشه» و «فهرست‌ها» است که به معرفی چند نقشه جالب توجه می‌پردازد و فهرست‌هایی با عنوان نام نقشه‌نگاران، موضوعات، نقشه‌ها و ... را جهت دسترسی آسان به مطالب کتاب ارائه می‌دهد. تحقیقات بالا به طور خاص به بررسی اسناد خلیج فارس پرداخته‌اند اما در حوزه تاریخ خلیج فارس مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است که این تحقیقات به شرح ذیل است:

در خصوص بررسی نام خلیج فارس در منابع تاریخی می‌توان به کتاب‌های اوستا (دوستخواه، ۱۳۷۵: ۷۰۷)، بندهش (رضی، ۱۳۷۶: ۵۹۶/۲)، تیشتر (بهار، ۱۳۷۶: ۱۴۰-۱۴۳)، کتیبه‌های آشوری (رابین، ۱۳۵۰: ۵۴-۵۵/۱) و همچنین نویسندگان یونانی، چون کتزیاس، گزنفون، استرابون (شاملو، ۱۳۴۷: ۱۰-۱۱) اشاره کرد. با توجه به واکاوی‌های صورت گرفته در منابع و متون تاریخی، تاکنون تحقیقات گسترده، جامع و کاملی در حوزه نام‌شناسی خلیج فارس صورت گرفته است اما پژوهشی مستقل به بررسی این منابع در قرن شانزدهم میلادی نپرداخته است. در این پژوهش، مرور ادبیات بیشتر با تمرکز بر شناسایی نام‌جاها و نام‌شناسی خلیج فارس در اسناد قرن شانزدهم صورت گرفته است.

کامل‌ترین آن در کتاب ایندیکا اثر «فلاویوس آریان» مورخ قرن دوم میلادی به جای مانده است (وثوقی، ۱۳۸۴: ۸۴). نویسندگان دیگری نظیر پلینی به نام «خلیج فارس»، استرابو؛ «آبگیر پارس»، آرتوستن؛ «دریای پارس» و کنت کورث به نام «آبگیر پارس» اشاره کرده‌اند. می‌توان چنین فرض کرد که نام خلیج فارس و دریای پارس در دنیای باستان از چنان شهرت فراگیری برخوردار بوده که در تمامی اسناد و مدارک تاریخی و جغرافیایی به ثبت رسیده است، به گونه‌ای که می‌توان نام خلیج فارس را بخشی از میراث جغرافیایی به حساب آورد و در حفظ و حراست آن کوشا بود.

نام خلیج فارس در آثار دوره اسلامی هم به وفور دیده می‌شود؛ آثار و کتب جغرافیای اسلامی از سده سوم هجری شکوفا و در قرن چهارم و پنجم هجری بر آن افزوده شد. از این دوره تا قرن هشتم هجری آثار خواندنی و جالبی از سیاحان مسلمان موجود است که از میان این آثار و سفرنامه‌های کهن و مطمئن، اشارات بسیاری به خلیج فارس و نام آن و همچنین به موقعیت و جایگاه آن شده است. در ادامه به بررسی نام‌شناسی خلیج فارس در آثار سیاحان قرن شانزدهم در این منطقه خواهیم پرداخت.

#### ب: اولین نقشه قرن شانزدهم از خلیج فارس

در سال ۱۴۹۷م. «واسکودوگامای»<sup>۳</sup> پرتغالی دماغه امیدنیک را دور زد و سال بعد به سواحل هند رسید. پرتغالیها پس از تصرف بنادر شرقی هند و استقرار نیروهای نظامی در بندر «گوم» در صدد تسلط بر «خلیج فارس» و آبراه مهم آن، تنگه «هرموز» به دست «آلبوکرک»<sup>۴</sup>، فرمانده پرتغالی بودند که آغاز دوره جدید در تحولات سیاسی ایران و خلیج فارس به شمار می‌آید. دوره‌ای که در تاریخ شرق به «عصر استعمار» مشهور شده است. با استقرار پرتغالی‌ها در اقیانوس هند و خلیج فارس و لزوم شناسایی دقیق جغرافیایی مناطق ناشناخته

بر پایه نوشته نویسندگان یونانی، چون کتزیاس، گزنفون، استرابون و یونانیان به این دریا نام «پرس» و به سرزمین ایران «پارسه»، «پرسای»، «پرس پولیس» یعنی شهر یا کشور پارسیان داده‌اند (شاملو، ۱۳۴۷: ۱۱-۱۰).

بنابراین می‌توان گفت از همان زمان جایگزینی پارس‌ها در جنوب ایران، آب‌های جنوب کشور که میدان تجارت و در هنگام ناچاری میدان نبردها بوده، نام دریای پارس و خلیج فارس داشته است. در سنگ نبشته داریوش بزرگ هخامنشی تل‌المسخوته مصر بین سال‌های ۵۱۵ تا ۵۱۸ ق.م در عبارت «درایه تیه هچا پارسا آیی تی»<sup>۱</sup> یعنی دریایی که از پارس می‌رود یا سر می‌گیرد، نام دریای پارس آمده است (شارپ، ۱۳۴۶: ۱۰۵).

تاریخ‌نگارانی چون «شوف» و «آگاتارشید» بر این باور بودند که دریای اریتره یا دریای پارس، در روزگار امپراتوری ماد از نام «ارتیتراس»<sup>۲</sup> یا «اریتره» سردار پارسی که بر تمامی خلیج فارس و دریای مکران احاطه داشت گرفته شده است زیرا وی همه جزایر فراموش شده و غیرقابل زندگی خلیج فارس را آباد کرد و با جمعیتی بسیار مسکون ساخت و به خاطر این کوشش‌هایش این دریا را از آن زمان به نام او «اریتره» خوانده‌اند (رابین، ۱۳۵۰: ۲۳۳).

جغرافی‌دانان باستان خلیج فارس را در همسایگی هند می‌دانسته‌اند، به عبارت دیگر این آبراه، دریای عمان و خلیج فارس و بخش‌های شرقی عمان را شامل می‌شده است. قدیمی‌ترین سند مکتوب در این باره سفرنامه تئارخوس، سردار اسکندر مقدونی است. وی در سال ۳۲۶ ق.م مأموریت خود را که شناسایی سواحل و جزایر خلیج فارس و اقیانوس هند بود به انجام رسانید. از این سفرنامه سه روایت نسبتاً مشابه توسط مورخین یونانی به دوره ما رسیده است که

3. Vasko\_do\_gama

4. . Albuquerque

1. Draya tya haca parsa aity

۲. از توانمندان و زاده پارس و فرزندان میوزائوس (میوزه) بوده است.

کتب سایر جغرافیدانان که از طریق مسلمانان به آنان رسیده بود، بار دیگر مورد استفاده قرار گرفت و دانش جغرافیای نوین بر همین مبنا شکل گرفت. این دوره را می‌توان عصر پیشرفت اروپاییان در جغرافی و افول نقش مسلمانان در این زمینه نامید. پس از قرون وسطا و با آگاهی از کروی بودن زمین، آغاز دوره اکتشافات و شناخته شدن دنیای امروز، برای نخستین بار نقشه‌های دریایی منتشر و نقشه‌هایی بر اساس تحقیقات میدانی توسط جغرافیدانان و کارتوگراف‌ها طراحی شدند که مبنا و پایه نقشه‌های امروزی شد. در این راستا نقشه‌های ترسیم شده در قرن شانزدهم میلادی که در آن نام خلیج فارس به اشکال گوناگون آمده است را در چندین نقشه به‌جا مانده در آن دوره با توضیح مختصر از نقشه‌نگار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### خلیج فارس در نقشه‌های سباستین مونستر<sup>۵</sup>

سباستین مونستر، نقشه‌نگار و کیهان‌نگار آلمانی است. وی نخستین آلمانی است که به تشریح نقشه‌های جهان پرداخته است، از او حدود چهار اطلس جهان‌نما در دست است. مونستر در ترسیم نقشه‌های خود از منابع ادبی و تاریخی و همچنین مشاهدات شخصی خویش استفاده کرده است (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). مونستر با آنکه آلمانی بود ولی نقشه‌های خود را در سوئیس به چاپ می‌رساند. وی در سال ۱۵۲۵م. اولین نقشه مربوط به قاره اروپا را با کمک هنرمندان و کنده‌کاران چوپ چاپ کرد و بعدها اولین اطلس پتولیمه را که با دوازده نقشه تکمیل شده بود در سال ۱۵۴۰م. چاپ کرد. در این بخش از وی دو نقشه جامع که از نام خلیج فارس نام برده بین سال‌های ۱۵۴۰م. و ۱۵۷۰م. مورد بررسی قرار می‌گیرد (صانعی، بی‌تا: ۴۸).

اطلاعات مهمی دربارهٔ بیش از هشت هزار مکان جغرافیایی قدیمی است. نخستین نقشه‌ها بر اساس طرز تلقی بطلمیوس از چگونگی وضع زمین ترسیم شده‌اند و برخی نقشه‌های اسلامی و همچنین تعدادی از نقشه‌های اروپایی را شامل می‌شوند.

5. Sebastian Munster

شرق، دوره جدیدی در مطالعات جغرافیایی به وجود آمد که آغازگر آن دریانوردان پرتغالی بودند. هنگام ورود پرتغالی‌ها به شرق نام «خلیج فارس» یا «دریای پارس» در تمام نواحی اقیانوس هند تا شرق دور نامی شناخته شده و مشهور بود. از این رو آنان نیز از همان آغاز ورود به طور گسترده از این نام بهره جسته و در نقشه‌های گوناگونی که در طول حضور خود در شرق داشتند، ترسیم نموده‌اند (وثوقی، ۱۳۸۱: ۱۱). قدیمی‌ترین نقشه و سند پرتغالی دربارهٔ این منطقه سفرنامه «دوارته باربوسا»<sup>۱</sup> است که بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۵۱۵م. به بندر هرمز مسافرت کرده است.<sup>۲</sup> دوارته سیاح پرتغالی بود، که احتمالاً جزو اولین کسانی است که با ناوگان وارد هند شده و اطلاعات دست اولی راجع به اقیانوس هند و یقیناً دریای عمان و خلیج فارس بدست آورده است (قدری، ۱۳۸۴: ۲۴۹؛ بازماندگان خمیری، ۱۳۸۳: ۴۲). در سیاحت‌نامه<sup>۳</sup> وی شرح مفصلی از محدودهٔ خلیج فارس و سواحل آن آمده است: «در دهانهٔ دریای پارس، جزایری وجود دارد به شرح زیر که متعلق به پادشاه هرمز است: کیش، هندورابی، لار، تمب، فرور، قشم و بحرین و ...» (henry, 1966: 37).

#### آغاز چاپ نقشه‌های خلیج فارس با آغاز دورهٔ رنسانس

در قرن شانزدهم میلادی، دانش اروپاییان در همهٔ علوم رو به پیشرفت گذاشت، علم جغرافیا نیز به گونه‌ای چشمگیر پیشرفت کرد. اروپاییان این پیشرفت را مدیون متون ترجمه شده مسلمانان در طی قرون وسطا بودند. اطلس بطلمیوس<sup>۴</sup> و

1. Barbosa, Duarte

2. See: Duarte Barbosa. A Description of the Coast of Africa and malbar, translated by henry and Stanley, London. 1966.

۳. در سال ۱۵۶۳م. به وسیلهٔ «راموزیو» در ونیز چاپ شده است.

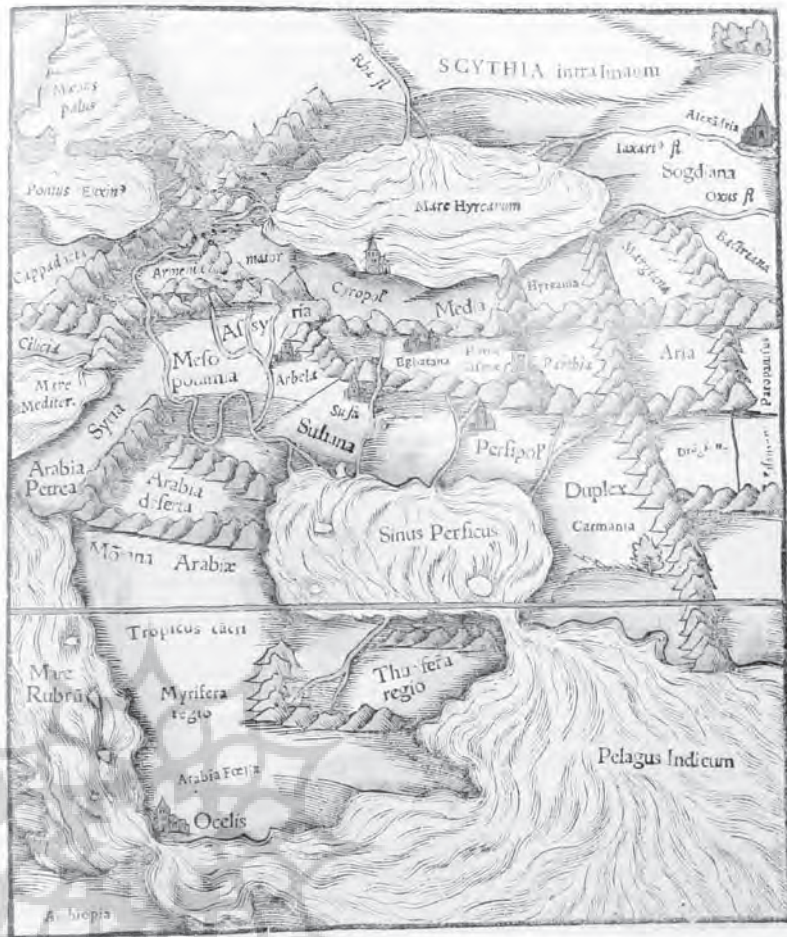
۴. کلودیوس بطلمیوس در مصر و در ایام حکمرانی جانشینان اسکندر مقدونی متولد شد. وی منجم و جغرافیدان بود و اساس کتاب او در بردارندهٔ جداول نجومی است که در آنها عرض و طول نقاط مهم و مسکونی جهان معین شده‌اند. او را «پدر جغرافیا» می‌دانند، هرچند که وی بخش عمده‌ای از اطلاعات خویش را از نوشته‌های کسانی چون نثارخوس، اراتستن و استرابون اقتباس کرده و نام خلیج فارس نیز پیش از نقشه‌های بطلمیوسی در کتب ایشان ذکر شده است. مهم‌ترین اثر بطلمیوس با عنوان «راهنمای جغرافیا»، شامل هشت کتاب و حاوی



پایین نقشه آمده است. ترسیم خلیج فارس تا حدود بسیاری با وضعیت طبیعی آن متفاوت است و نشان می‌دهد که طراح در شکل‌بندی جغرافیایی به متون جغرافیایی قدیم متکی بوده است. در این نقشه سه رودخانه در بخش شمالی خلیج فارس که به این آبراه می‌ریزد، دیده می‌شود که نامی برای آنها مشخص نشده است (همان، ۱۲۹).

### نقشه جاکومو گاستالدی<sup>۱</sup> اولین نقشه مدرن ایران

جاکومو گاستالدی در منطقه ویلافرانس<sup>۲</sup> در ایتالیا دیده به جهان گشود. وی به‌عنوان مشهورترین کیهان‌نگار ونیزی معروف است که نهمین نقشه از او برجای مانده است (همان، ۱۳۱). این کارتوگراف مشهور ایتالیایی پیشتاز فن نقشه‌نگاری ایتالیا در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی است. او نخستین نقشه نوین ایران را در سال ۱۵۴۸م. با عنوان «PERSIA NOVA TABVLA» (نقشه جدید ایران) طراحی کرد (معرفتی، ۱۳۸۷: ۶۹). این نوع طراحی نمونه‌ای از نقشه‌های بطلمیوسی است که طراح در آن اسامی رایج عصر را جانمایی کرده است. خلیج فارس با عنوان دریای پارس «Mar Persio» نام‌گذاری شده است. لازم به ذکر است گاستالدی برخلاف نقشه‌نگاران دیگر، از عنوان «Persio» (ایران) برای نشان دادن تمام سرزمین ایران استفاده کرده است (نقشه ۴). گاستالدی همچنین در نقشه‌های دیگری که در بین سال‌های ۱۵۴۸م. و ۱۵۷۰م. طراحی و چاپ کرده نام خلیج فارس را با عنوان «Sinvs Persievs» و «Golfo Di»



نقشه ۲. نقشه خلیج فارس در سال ۱۵۷۰م. (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).



نقشه ۳. نقشه فارس در نقشه هانتر در سال ۱۵۴۶م. (گنجی، ۱۲۹: ۱۳۸۶).

1. Giacomo Gastaldi  
2. Villafranca







نقشه ۵. نقشه خلیج فارس از آبراهام اورتلیوس در سال ۱۵۷۷ م. (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۴۹)

(جعفری مذهب، ۱۳۷۹: ۹؛ گنجی، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

### اطلس گرادوس مرکاتور<sup>۱</sup>

مرکاتور را باید نابغه در نقشه‌نگاری دانست. او نخستین کسی است که طول و عرض جغرافیایی را با دقت فراوان وارد نقشه‌کشی کرد و این کار مرکاتور نه تنها مجامع علمی را برانگیخت بلکه استفاده‌های فراوانی از آن در امر دریانوردی شد. وی نخستین شخصی بود که واژه «اطلس» را برای عنوان مجموعه نقشه‌ها به کار برد. مرکاتور در سال ۱۵۷۸ م. نقشه «پنجم آسیا» را بر اساس اطلاعات تطبیقی در متون جغرافیایی که جزء نقشه‌های بطلمیوسی بود، ترسیم کرد.

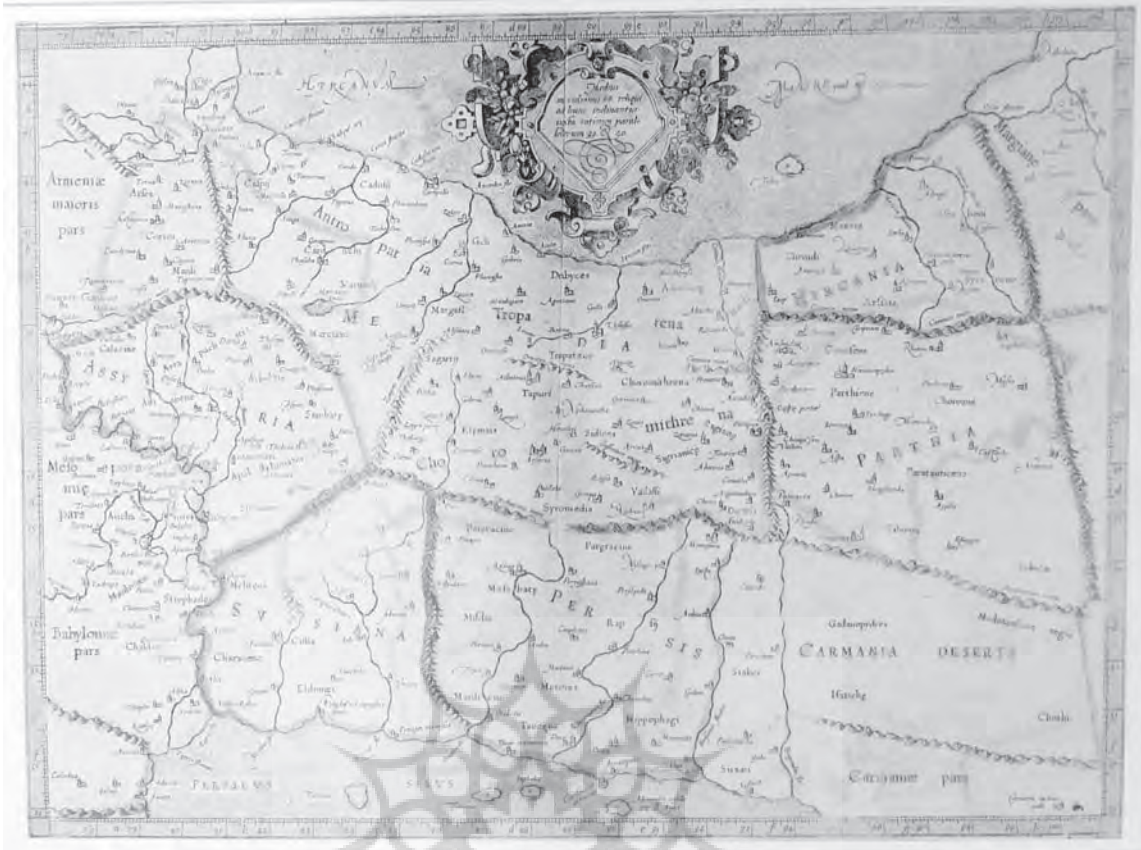
در این نقشه خلیج فارس را به صورت «Persicus Sinus» نام‌گذاری کرده است (نقشه ۶). مرکاتور در سال ۱۵۹۵ م مجموعه نقشه‌های خود را با نام اطلس در دویسبورگ<sup>۲</sup> آلمان منتشر کرد

خلیج فارس در نقشه جیوانی آنتونیو ماجینی<sup>۳</sup> ماجینی نقشه‌نگار ایتالیایی در کنار ترسیم نقشه‌نگاری و ستاره‌شناسی، ابزاری برای محاسبه در کار نقشه‌کشی ساخت. ماجینی در سال ۱۵۹۶ م. نقشه‌ای با عنوان «توصیف سرزمین‌های امپراطوری قلمرو سلطنتی صفویان» (PERSIAE PEGNUM SIVE SOPHORUM IMPERIUM) طراحی کرد وی در این نقشه محدوده ایران در عصر صفوی در دوره شاه طهماسب اول را مشخص کرده است. در این نقشه خلیج فارس را با عنوان «Sinus Persicus» نام‌گذاری می‌کند (نقشه ۷). احتمالاً اسامی این نقشه برگرفته از اطلاعات درج شده در سفرنامه‌های جهانگردان ونیزی است (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

1. Gerardus Mercator

2. Duisburg

3. G.A.Magini



نقشه ۶. نقشه خلیج فارس از گرادوس مرکاتور در سال ۱۵۷۸ م. (جعفری مذهب، ۱۳۷۹: ۹؛ گنجی، ۱۳۸۶: ۱۵۱).



نقشه ۷. نقشه خلیج فارس از جیوانی ماجینی در سال ۱۵۹۶ م. (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

## هنریکوس وان لانگرن<sup>۱</sup> و نخستین نقشه هلندی از خلیج فارس

نقشه اورتلیوس نیز بر پایه نقشه ۱۵۵۹م. گاستالدی ترسیم یافته بود. نقشه‌نگار دیگری به نام بوترو نام‌های جدیدی از شهرهای کوچک ایران، مثل ری و سلطانیه وارد این نقشه می‌کند. از خلیج فارس نیز تحت عنوان «Sinus Persicus» در این نقشه نام برده شده است (نقشه ۹). در این نقشه همچنین نام بندر کنگ تحت عنوان Camca و Gongga نام برده شده است (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

### نتیجه‌گیری

نام خلیج فارس از کهن‌ترین ادوار تاریخ یعنی از زمان پیدایش نخستین نقشه جنوبی بین‌النهرین توسط بابلیان تا دایره‌المعارف‌های کنونی قرن بیست و یکم، با اندک تغییری در رسم‌الخط در ملل‌های گوناگون همچنان باقی مانده است. با وجود تلاش‌های سیاسی بسیار برای تحریف نام خلیج فارس، اسناد، مدارک و نقشه‌های تاریخی بسیاری بر این نام صحه

هنریکوس وان لانگرن یکی از بزرگترین تجار نقشه‌نگار در هلند طی نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی که در سال ۱۵۹۶م. این نقشه را در سفرنامه‌ای تحت عنوان «Linschotens Itinerario» به چاپ رسانده است. این نقشه مربوط به جنوب و جنوب‌غربی آفریقا است. در این نقشه خلیج فارس با عنوان «Sinus Persicus» نشان داده شده است (ابراهیم‌زاده گرجی، ۱۳۸۴: ۳۶؛ گنجی، ۱۳۸۶: ۱۵۹) (نقشه ۸)

### ماتئوس کواد<sup>۲</sup> آخرین نقشه قرن از خلیج فارس

ماتئوس کواد نقشه‌نگار آلمانی بود که به کمک بوسماخر عنوان ایران یا امپراتوری صفوی را در نقشه ایران مجموعه «Geographischees Handbuch» وارد کرد. وی این نقشه کمیاب ایران را از نقشه سال ۱۵۷۰م. اورتلیوس الگوبرداری کرده است،



نقشه ۸. نقشه خلیج فارس از هنریکوس وان لانگرن در سال ۱۵۹۶ م. (ابراهیم‌زاده گرجی، ۱۳۸۴: ۳۶؛ گنجی، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

1. Henricus Van Langren
2. Matthias Quad



نقشه ۹. نقشه خلیج فارس ماتئوس کواد در سال ۱۶۰۰م. (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۶۳)

### منابع

- می‌گذارند. به‌همین منظور پژوهش حاضر با واکاوی نام خلیج فارس در ۹ نقشه باقی‌مانده از جهانگردان اروپایی در قرن شانزدهم میلادی، نقشه‌های ترسیمی و طراحی شده در این قرن و همچنین سفرنامه‌های موجود و دیگر منابع تاریخی هم عصر آن را مورد بررسی و نقشه‌خوانی قرار داده‌است.
- نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نام خلیج فارس در نقشه‌های اروپائیان به اشکال گوناگونی آمده است که در هشت مورد به صورت «Sinus Persicus» و یک مورد به صورت «Mar persio» و یک مورد به صورت «Golfo persico» نام‌گذاری شده است و این عناوین برهانی بر این ادعا است که این آبراهه تاریخی همیشه خلیج فارس بوده است.
- آیتی، عبدالحمید. (۱۳۸۸). وقایع‌نگاری خلیج فارس؛ بخش تاریخ ایران. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- ابراهیم‌زاده‌گرگی، رمضان. (۱۳۸۴). «من المحيط الاطلسی الی الخلیج الفارسی». کیهان فرهنگی. شماره ۲۲۴. صص ۳۸-۳۴.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۸۶). نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی. تهران: نشر و چاپ انتشارات وزارت امور خارجه
- بازماندگان خمیری، احمد. (۱۳۸۳). «سفرنامه‌های «آبه‌کاره» و «فریر»، دو سفرنامه ترجمه نشده از عصر صفوی». پژوهشنامه خلیج فارس، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۸۸-۸۹. صص ۴۲.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). پژوهشی در اساطیر ایران، پاره نخست و دوم. تهران: نشر آگه.
- بیات، عزیزالله. (۱۳۸۷). کلیات تطبیقی ایران. ج ۲. تهران: امیرکبیر.

- پورمحمدی املشی، نصرالله؛ سنبلی، ندا. (۱۳۹۶). «رقابت ایک و واک در خلیج فارس و تاثیر آن بر تجارت دریایی ایران در دوره افول صفویه». کارنامه تاریخ. شماره ۷. صص ۵۱-۸۶.
- جعفری مذهب، محسن. (۱۳۷۹). «جهان نما: سیر تاریخی اطلس». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۳۰. صص ۸-۱۳.
- حسینی، میرهادی. (۱۳۸۵). «خلیج فارس در اینترنت». مجله یاد. شماره ۸۰.
- دوست خواه، جلیل. (۱۳۷۵). اوستا، کهن ترین سروده های ایرانیان. تهران: انتشارات مروارید.
- پالم، رابرت روزول. (۱۳۸۶). تاریخ جهان نو. ترجمه ابوالقاسم طاهری. ج ۱. چ ۶. تهران: امیرکبیر.
- رایین، اسماعیل. (۱۳۵۰). دریانوردی ایرانیان. ج ۱. تهران: چاپ سکه.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۶). وندیداد. ج ۲. تهران: انتشارات فکر روز.
- شارپ، رالف نورمن. (۱۳۴۶). فرمان های شاهنشاهی هخامنشی. تهران: شورای مرکزی جشن های شاهنشاهی.
- شاطر، محسن. (۱۳۴۷). خلیج فارس. تهران: [بی نا].
- صانعی، هوشنگ. (۱۳۷۱). «تهیه و انتشار نقشه های جغرافیا چگونه شروع شد». فصلنامه اطلاعات جغرافیائی (سپهر). شماره ۵. صص ۴۸-۵۳.
- علائی، سیروس. (۱۳۷۱). «نظری به نقشه های قدیمی ایران». ایران شناسی. شماره ۱۴. صص ۲۶۹-۳۷۱.
- فلاح تبار، نصرالله. (۱۳۷۸). «نام خلیج فارس در نقشه ها و اسناد تاریخی ایران و جهان». در چهارمین کنفرانس یکسان سازی نام های خلیج فارس. تهران: ایران. سازمان نقشه برداری کشور.
- قدری، مایو. (۱۳۸۴). جنگنامه کشم. مصحح محمدباقر وثوقی، عبدالرسول خیراندیش. تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.
- گنجی، محمدحسین؛ وثوقی، محمدباقر؛ صفی نژاد، جواد؛ فریدی مجید، فاطمه؛ انوری، امیر هوشنگ. (۱۳۸۶). وصف خلیج فارس در نقشه های تاریخی. تهران: بنیاد ایران شناسی.
- معرفتی، شادی. (۱۳۸۷). «نقشه های تاریخی خلیج فارس». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۲۵. صص ۶۶-۷۱.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۷۷). روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه. تهران: سمت.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۱). «نقشه های تاریخی خلیج فارس». فصلنامه تاریخ روابط خارجی. شماره ۱. صص ۵-۳۰.
- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۴). تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار. تهران: انتشارات سمت.
- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۹۰). پرتغالی ها در خلیج فارس. تهران: وزارت امور خارجه.
- Barbosa, Duarte. (1966). A Description of the Coast of east Africa and Malabar in the beginnig of the six teenth Century. Edited by henry and Stanley. London: Hakluyt society.